

به فدایش تمام بدخواهان خودش اول فرورود در آن

فرشته پناهی - شاعر

سر بلند است پرچم ایران هرکسی چاه کند بهر کسی



مشیت و مال تلاویو مگس انداز

آمد به میدان سیل خروشان دریای انسان مانند طوفان البته اینبار نه توی تهران توی تل آویو خوب شد؟ بخور! هان!

ابوالقاسم سیفی

برده ست گمان، گشته در این معرکه استاد در خواب به ایران پر از ولوله پز داد آن از ملکه، این هم از آشوب تل آویو با آل علی هرکه در افتاد و افتاد

محمد عظامی

سر بلند است پرچم ایران به فدایش تمام بدخواهان هرکسی چاه کند بهر کسی خودش اول فرورود در آن

فرشته پناهی

روز و شب بنشین کنون هی ناز صهیون را بکش طرح ضد اغتشاشات و شبیخون را بکش آی دنیا چاه اسرائیل پر شد بو گرفت دست تقدیری تکان ده زود سیفون را بکش

ابوالقاسم سیفی

ببین آشوب زیبای درون این قفس را که بسته روی این دیوانه راه پیش و پس را نیازی نیست دیگر به تفنگ و تانک و موشک

فقط کافیس یک ضربه ببندازد مگس را محمد علی کمالی مقدم

جنگ پلاستیک

مینا گودرزی
شاعر

یک روز یکی کیسه فریزر به هوا خواست و اندر طلب طعمه پر و بال بیاراست

چرخ زد و از دور عقابی به هوا دید نزدیک شد و توی پر و پاش بیچید

افتاد عقاب عاقبت از مکر فریزر جوروی به زمین خورد که شد بال و پرش سیر

از اینکه عقاب آخر بازی شده پنجر کیفور شد و رفت پی طعمه دیگر

این بار به دریا تنه زد با هدف صید بودند همه آبریزان توی صف صید

با کله خود رفت نهنگی توی کیسه از تنگی جا آبشش اش گشت پیلیسه

این کیسه چنین زد به دل آب، زیان را جوروی که چروکند همه آبریزان را

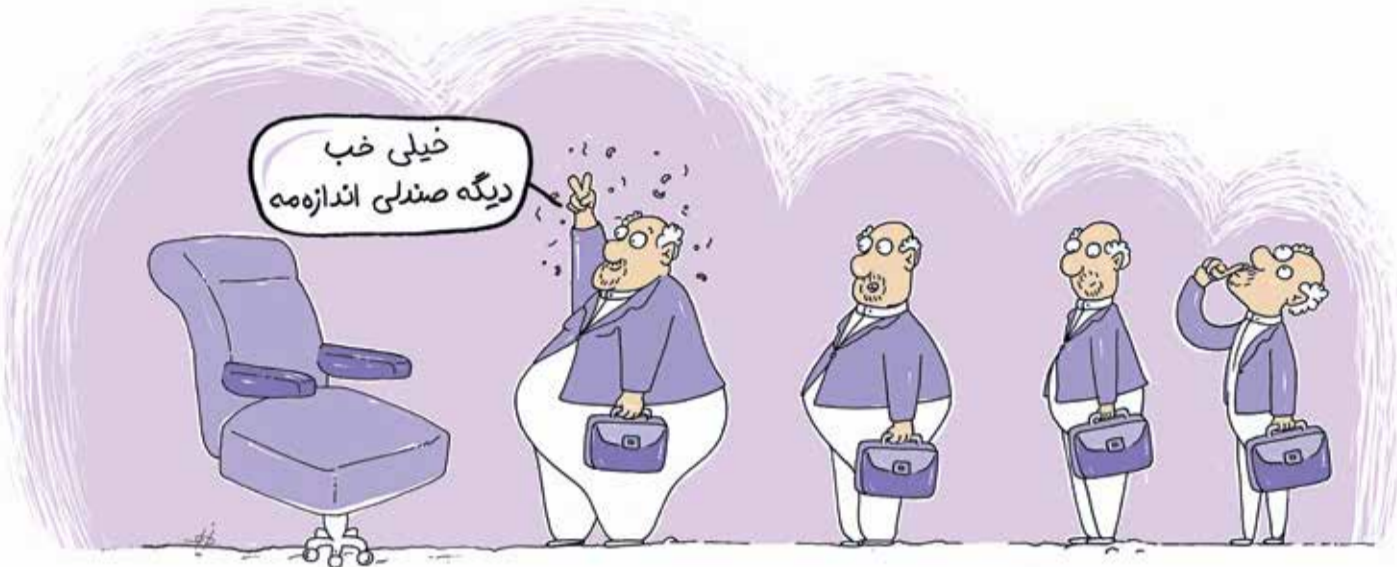
دریا سپس این زلزله را برد به خشکی فریاد زد و با هیجان گفت: عه! خشکی!

به به! همه دشت پُر از طعمه تازه ست از فرط شغف حال خوشی داد به وی دست

در حین همین شور و شغف های پلیدش ناگاه به عنوان علف، گاو چریدش

محصول جدیدی به وجود آمده تبریک! داریم پس از این جریان، شیر پلاستیک!

از جنگ پلاستیک به کجا راه بجویم؟ در خشکی و دریا همگی طعمه اویم



طراح: فاطمه ندیمی / کاریکاتور پست

عقابی که خر شد!

محمد اسدی
طنزپرداز

مهم ترین اتفاق زندگی سراسر نظامی سرلشکر «جیمز وات»، طراحی عملیات «پنجه عقاب» بود. عملیاتی به منظور آزادسازی نیروهای سفارت آمریکا در تهران. اما سرلشکر جیمز وات برای رسیدن به این مرحله، راهی طولانی را طی کرده بود.

جیمز وات، سربازی اش را در پادگان صفر پنج نگزاس گذراند. او چشمان تیزبینی داشت و به همین خاطر در سربازی به «عقاب» معروف شد. او هر وقت پدرش را گریه می آورد از دلوری هایش در دوره سربازی می گفت. از اینکه یک چک افسری توی گوش فرماندهان خوابانده و توی میدان تیر، پوکه فشنگ ها را دود می کرده است. از همین رو پدر جیمز، پسرش را ترغیب به حضور در ارتش آمریکا کرد و به او گفت: «تو باید به ارتش بروی پسر دلورم؛ به خاطر دفاع از میهن، دخالت در امور کشورهای دیگر و اشغالگری...»

جیمز به شوق دفاع از کشور وارد ارتش آمریکا شد و از آنجایی که بهترین دفاع حمله است، او برای دفاع از میهن در جنگ های ویتنام، فیلیپین، اسپانیا، افغانستان... حاضر شد. او رفته رفته در ارتش آمریکا پیشرفت کرد و به یک فرمانده مهم جنگی تبدیل شد. حالا دیگر همه او را به عنوان «عقاب آمریکا» می شناختند. عصر یک روز بهاری در سال ۱۹۸۰،

رئیس جمهور کارتر، سرلشکر جیمز وات را به دفتر خود خواند. کارتر به جیمز دستور داد که برای آزادسازی کارمندان سفارت آمریکا در تهران، یک عملیات نظامی را طراحی کند. جیمز که دیگر حال و حوصله دعوا و مرافعه نداشت، گفت: «می گم خب این شاه گور به گور شده شون رو پس بدیم تا جاسوس هامون رو چیز ببخشید کارمندانمون رو آزاد کنن.» کارتر رو ترش کرد و گفت: «عه عه عه! تو مگه این ضرب المثل معروف امریکایی رو نشنیدی که مهمون حبیب خداست؟ اون وقت می گی ما مهمون مون رو از خونه بیرون کنیم؟» این لحن تند کارتر، موجب دلخوری سرلشکر جیمز وات شد. رئیس جمهور هم برای اینکه از دل جیمز در بیارود به او گفت: «عقاب کی بودی تو؟» و جیمز هم که هر وقت کسی به او می گفت عقاب، سریعاً خر می شد، این بار هم خر شد و عملیات «پنجه عقاب» را برای حمله به تهران طراحی کرد. سحرگاه ۵ اردیبهشت ۱۳۵۸، عملیات پنجه عقاب آغاز شد. ۶ هواپیما و ۸ بالگرد همزمان وارد ایران شدند. این هواپیماها و بالگردها برای سوخت گیری، نماز و ناهار، در صحرای طیس به مدت بیست دقیقه توقف کردند. در همین زمان یک مرتبه طوفان شن سنگینی به راه افتاد. جیمز وات نگاهی به نقشه هایش انداخت و گفت: «قاعداً نباید اینجوری می شد.» در همین زمان یکی از بالگردها اقدام به پرواز کرد؛ اما در اثر طوفان شن، پره های بالگرد گیرپاز کردند و به یک هواپیما برخورد کرد.

همچنین ۴ هلی کوپتر دیگر زمینگیر شدند. در نهایت حدوداً چندین نفر از نیروهای ارتش آمریکا، دچار ضربه ملایم مغزی شدند. کارمندان سفارت آمریکا که همینجور دم سفارت ایستاده بودند تا رفقایشان نجاتشان دهند، با شنیدن خبر شکست عملیات پنجه عقاب (که حالا با نام جفتک خر شناخته می شد)، شروع به تتوی نقشه سفارت روی کمرهای یکدیگر کردند. از آن به بعد هرگاه به ژنرال جیمز وات، عقاب می گفتند، لب هایش را غنچه می کرد و می گفت: «من عقاب نیستم، من ماهی ام.» و بعد خودش را داخل اقیانوسی استخری چیزی می انداخت. ژنرال جیمز وات در کتاب خاطراتش به نام «عقابی که خر شد» نوشت: «رفتار ایرانی ها بسیار ناجوانمردانه بود. آنها «شن» را هم سیاسی کردند. در قوانین بین المللی، شرایط زیست محیطی مثل زلزله، سیل یا طوفان، به عنوان نیروهای بی طرف شناخته می شوند اما دولت ایران نه تنها ورزش را، که طوفان را هم سیاسی کرد و به جان ما انداخت.»

ژنرال جیمز وات در کتاب خاطراتش به نام «عقابی که خر شد» نوشت: «رفتار ایرانی ها بسیار ناجوانمردانه بود. آنها «شن» را هم سیاسی کردند. در قوانین بین المللی، شرایط زیست محیطی مثل زلزله، سیل یا طوفان، به عنوان نیروهای بی طرف شناخته می شوند اما دولت ایران نه تنها ورزش را، که طوفان را هم سیاسی کرد و به جان ما انداخت.»

ژنرال جیمز وات در کتاب خاطراتش به نام «عقابی که خر شد» نوشت: «رفتار ایرانی ها بسیار ناجوانمردانه بود. آنها «شن» را هم سیاسی کردند. در قوانین بین المللی، شرایط زیست محیطی مثل زلزله، سیل یا طوفان، به عنوان نیروهای بی طرف شناخته می شوند اما دولت ایران نه تنها ورزش را، که طوفان را هم سیاسی کرد و به جان ما انداخت.»

ژنرال جیمز وات در کتاب خاطراتش به نام «عقابی که خر شد» نوشت: «رفتار ایرانی ها بسیار ناجوانمردانه بود. آنها «شن» را هم سیاسی کردند. در قوانین بین المللی، شرایط زیست محیطی مثل زلزله، سیل یا طوفان، به عنوان نیروهای بی طرف شناخته می شوند اما دولت ایران نه تنها ورزش را، که طوفان را هم سیاسی کرد و به جان ما انداخت.»